

ده‌ها هزار شهروند آمریکایی در مینیاپولیس علیه سیاست‌های دولت آمریکا راهپیمایی کردند

خیابان علیه ترامپ

صفحه ۷



عکس: Gettyimages

وارد یک دوران جدید شده است. آمریکا بر اساس نظم و نظامی که پس از جنگ دوم جهانی، بویژه پس از فروپاشی شوروی سابق ایجاد کرد، توانست هم از نظر اقتصادی و هم نظامی، به ابرقدرت دنیا تبدیل شود؛ نظم و نظامی که در ظاهر مبتنی بر حقوق بشر و قوانین و مقررات بین‌المللی بنا نهاده شده بود و آمریکا خود را حافظ و ناظم این نظم می‌دانست. با این حال حالا سران واشنگتن به این نتیجه رسیده‌اند منافع آنها در خروج از این نظم و بی‌اعتنایی به قواعد و قوانین آن است.

زمانی که ترامپ برای دومین‌بار به عنوان رئیس‌جمهور آمریکا انتخاب شد، یک میهمانی بزرگ ترتیب داد و در آن میهمانی همه ثروتمندان و الیگارش‌های آمریکا را جمع کرد. تصویر مولتی‌میلیاردرهای آمریکایی در کنار ترامپ، زنگ خطر را برای همه دنیا به صدا درآورد. حالا پولدارها بر کاخ سفید حاکم شده‌اند. ترکیب پول و قدرت و سلاح و اطلاعات باعث شد همان زمان برخی صاحبزنان و نظریه‌پردازان پیش‌بینی کنند دموکراسی به پایان راه خود رسیده و الیگارش‌ها از طریق قدرت و نفوذ آمریکا به دنبال اعمال و تثبیت نظام و قواعد جدیدی بر دنیا هستند.

آنچه ترامپ در یک سال اخیر انجام داد، دقیقاً مبتنی بر همان پیش‌بینی‌ها بود. او با طمع تصاحب نخستین و بزرگ‌ترین منابع نفتی دنیا به ونزولا لشکرکشی کرد، به گرینلند به خاطر منابع فلزات خاص و گرانبهای طمع کرده و در آرزوی تسلط بر ایران است تا بزرگ‌ترین منابع نفتی و گازی جهان را نیز در اختیار بگیرد.

در آمریکا ترامپ در همان ماه‌های حضور دوباره در کاخ سفید، محدودیت‌های مربوط به تجارت رمز ارز را لغو کرد. او و پسرانش قبل از پیروزی در انتخابات، یک شرکت بزرگ رمز ارز تأسیس کردند و حالا بزرگ‌ترین قدرت تعیین‌کننده در حوزه تجارت رمز ارز در آمریکا و سراسر دنیا هستند. کمیته حقوقی کنگره آمریکا چندی پیش گزارشی ۵۶ صفحه‌ای منتشر کرد و در آن با اشاره به این سوءاستفاده ترامپ از موقعیت خود، نوشت او و پسرانش فقط در ۶ ماه ۸۰۰ میلیون دلار از حوزه رمز ارز به جیب زده‌اند.

ادامه در صفحه ۲

نخست، پایگاه‌های متعدد نظامی در گرینلند ایجاد کند. همچنین آمریکا می‌تواند در گرینلند اقدام به اکتشاف و جمع‌آوری اطلاعات کند، ضمن اینکه آمریکا پروژه گنبد طلایی خود را نیز فروش گاز به کشورهای اروپایی، با قیمت بسیار بیشتری نسبت به قیمت گاز روسیه است. ترامپ همچنین بر اساس سیاست‌های تعرفه‌ای خود، بعضاً تعرفه‌های سنگین به کشورهای اروپایی بسته است و با این کار، ضمن تضعیف اقتصاد این کشورها در حال کسب درآمد از اروپاست.

بر همین اساس اکنون بسیاری از کارشناسان معتقدند سیاست‌های ترامپ در دوره دوم ریاست‌جمهوری‌اش، بیش از سایرین، اروپا را متحمل خسارات اقتصادی و امنیتی کرده است؛ سیاستی که باعث حیرت و در عین حال عصبانیت مقامات اروپا شده است. اخیراً ترامپ در اقدامی تحقیرآمیز، پیام‌های امانوئل مکرون به خود را منتشر کرد. رئیس‌جمهور فرانسه در این پیام‌ها ضمن ایراز تعجب از برنامه ترامپ برای تصاحب گرینلند، به وی پیشنهاد داده بود آمریکا روی کمک اروپا برای انجام «کارهای بزرگ» علیه ایران و همین‌طور در قبال سوریه حساب کند. پیام‌های مکرون در عین حال که استیصال اروپا را در برابر آمریکا نشان داد، خوی استعماری اروپایی‌ها علیه کشورهای غرب آسیا بویژه ایران را نیز آشکار کرد. با این حال ترامپ با انتشار این پیام‌های مکرون نشان داد یک نگاه تحقیرآمیز نسبت به او دارد. ترامپ پس از انتشار پیام‌های مکرون، طرحی از خودش، ونس و ربووی را در شبکه‌های اجتماعی منتشر کرد که در حال قرار دادن پرچم آمریکا در گرینلند هستند. به عبارتی ترامپ با این اقدام، هم مکرون و اروپایی‌ها را تحقیر کرد و هم نشان داد عزمش را برای اشغال و تصاحب گرینلند جزم کرده و به هیچ‌وجه از این تصمیم عقب‌نشینی نخواهد کرد؛ موضوعی که رفتار ترامپ هم در اجلاس داووس و هم پس از پایان این اجلاس موید آن است. ترامپ هنگام بازگشت از اجلاس داووس مدعی شد با اروپایی‌ها بر سر یک چارچوب همکاری درباره گرینلند به توافق رسیده است. ترامپ و رسانه‌های آمریکا مدعی شدند اروپایی‌ها پذیرفته‌اند آمریکا در گام

اروپا خواری فرعون

این کشور است. رئیس‌جمهور آمریکا در اجلاس داووس اظهاراتی تحقیرآمیز علیه کانادا مطرح کرد و گفت اگر آمریکا نبود، کانادا نمی‌توانست بر خاک خود اعمال حاکمیت کند و در ادامه با اظهاراتی تهدیدآمیز گفت اکنون نیز اگر آمریکا نباشد، کانادا اساساً وجود و بروز و ظهور نخواهد داشت. ترامپ پس از بیان این اظهارات تهدیدآمیز، خطاب به کارنی گفت دفعه بعد که خواست درباره آمریکا اظهار نظر کند، این جملات او را به خاطر داشته باشد. در واقع این اظهارات ترامپ، یک تهدید علنی علیه کانادا و نخست‌وزیر آن کشور بود.

این سطح بی‌سابقه از اختلاف و انشقاق میان آمریکا و سران کشورهای غربی، در ماجرای طرح آمریکا برای اشغال و تصاحب گرینلند نیز بروز کرده است. ترامپ در اجلاس داووس، اظهاراتی بی‌سابقه علیه اروپا مطرح کرد و گفت اگر آمریکا در جنگ دوم جهانی دخالت نمی‌کرد، اکنون کل اروپا به زبان آلمانی یا ژاپنی صحبت می‌کرد. این اظهار نظر ترامپ، بی‌سابقه‌ترین موضع یک رئیس‌جمهور آمریکا پس از جنگ دوم جهانی علیه قاره اروپاست. اظهار نظری که به وضوح نشان‌دهنده سطح و عمق اختلاف میان ۲ سوی آتلانتیک است. ترامپ در دوره دوم ریاست جمهوری خود، اختلافات بنیادین آمریکا با متحدان اروپایی‌اش را آشکار کرد. سیاست‌های آمریکا در قبال اروپا نشان می‌دهد واشنگتن اکنون کمر به تضعیف و تحقیر بی‌سابقه اروپا بسته است. هم در ماجرای اوکراین و هم در ماجرای گرینلند، ترامپ تلاش می‌کند از یک سو جغرافیای اروپا را کوچک‌تر کند و از سوی دیگر به دنبال تضعیف کشورهای اروپاست. به عبارتی، اکنون ترامپ کیک اروپا را روی میز گذاشته است و یک سوی میز خود نبسته و در سویی مقابل، ولادیمیر پوتین قرار گرفته است.

بر اساس سیاست‌های ترامپ، حدود یک‌چهارم اوکراین باید به روسیه برسد و همین‌طور سرزمین وسیع گرینلند نیز به خاک آمریکا ضمیمه شود. این تفسیر مختصر و دقیق سیاست‌های ترامپ در قبال اروپاست. بررسی سیاست‌های اقتصادی آمریکا ترامپ در قبال اروپا نیز نشان می‌دهد ترامپ اصطلاحاً به دنبال سرکشیه کردن اروپاست.

امیرعباس نوری: ماجرای گرینلند و طمع ترامپ برای اشغال این سرزمین باعث شده هم ماهیت امپریالیستی آمریکا واضح‌تر از قبل در معرض دید جهانیان قرار داده شود و هم این طمع، زمینه‌ساز شکاف و انشقاق جبهه استعماری غرب شده است. اظهارات مهم و بی‌سابقه نخست‌وزیر کانادا در اجلاس داووس به وضوح این ۲ گزاره را روشن کرد. مارک کارنی در اجلاس داووس صراحتاً اعتراف کرد نظام فعلی جهان، یک نظم ناعادلانه است که بر خلاف ادعای قانون‌مندی و ساختارمندی، صرفاً سازوکاری است که تاکنون اهداف و منافع آمریکا و کشورهای غربی را تأمین کرده است. کارنی اعتراف کرد نوع و نحوه خوانش و استفاده از قوانین این نظم آمریکایی، وابسته به منافع آمریکاست و نحوه استفاده از قوانین بین‌المللی به این بستگی دارد که کشور هدف کیست و آمریکا چه اهداف و منافع‌ای علیه آن کشور دارد. به عبارتی نخست‌وزیر کانادا اعتراف کرد کاخ سفید ذره‌ای به ماهیت قوانین بین‌المللی اهمیت نمی‌دهد و بر اساس منافع خود، از این قوانین استفاده می‌کند. کارنی سپس اعتراف کرد کانادا و کشورهای غربی اگر چه از این واقعیت مطلع بوده‌اند اما به خاطر اینکه این نظم ناعادلانه منافع آنها را تأمین می‌کرد، از آن تبعیت و حمایت می‌کردند.

در واقع کارنی اذعان کرد کانادا و کشورهای غربی با اینکه می‌دانستند اقدامات آمریکا خلاف قانون است و در راستای منافع خود، از ساختارها، سازمان‌ها و قوانین و مقررات بین‌المللی سوءاستفاده می‌کند اما چون این نظم ناعادلانه منافع کشورهای غربی را تأمین می‌کرد، لذا کانادا و سایر کشورهای غربی، نه تنها چشم بر بی‌عدالتی‌های نظم آمریکایی بستند، بلکه به خاطر منافع خود، از آن حمایت نیز می‌کردند.

این اعترافات اما به این دلیل از سوی نخست‌وزیر کانادا مطرح شده است که اکنون کشورش به یکی از طعمه‌ها و طمع‌های سلطه‌گری و دست‌اندازی آمریکا تبدیل شده است. ترامپ طی یک سال گذشته بارها تصریح کرد باید کانادا این ادعا به دنبال گرفتن امتیازات یا سلب بعضی اختیارات قانونی کانادا نسبت به تمامیت ارضی

گرینلند، جزیره‌ای پهناور و عمدتاً بخت‌پوش در شمال اقیانوس اطلس در مجاورت اقیانوس منجمد شمالی است و یکی از مهم‌ترین نقاط ژئوپلیتیک جهان به شمار می‌رود. این سرزمین اگرچه از نظر سیاسی، منطقه‌ای خودمختار در چارچوب پادشاهی دانمارک محسوب می‌شود اما از منظر جغرافیایی بخشی از آمریکای شمالی بوده و در شمال شرق کانادا قرار دارد. گرینلند با وسعتی بالغ بر ۲,۱۶ میلیون کیلومتر مربع، بزرگ‌ترین جزیره جهان است؛ با این حال، ۸۰ درصد مساحت آن زیر کلاهک‌های یخی ضخیم قرار دارد و جمعیتی کمتر از ۶۰ هزار نفر را در خود جای داده است. اقتصاد گرینلند اقتصادی کوچک و متکی بر ماهیگیری یارانه‌ای و تا حدی کشاورزی محدود است. تولید ناخالص داخلی این جزیره سال ۲۰۲۴ با احتساب حدود ۶۰۰ میلیون دلار کمک سالانه دولت دانمارک، ۳,۴ میلیارد دلار برآورد شد. با وجود این محدودیت‌های اقتصادی، گرینلند به دلیل موقعیت ژئواستراتژیک ممتاز و برخورداری از منابع طبیعی غنی، از اهمیت سیاسی و امنیتی فزاینده‌ای برخوردار است. قرار گرفتن این جزیره در مرکز کریدورهای هوایی دریایی میان آمریکای شمالی، اروپا و آسیا، بویژه در شرایط تشدید تحریرات اقتصادی و ذوب تدریجی یخ‌های قطب، ارزش راهبردی آن را به‌طور چشمگیری افزایش داده است. در همین چارچوب، رئیس‌جمهور ایالات متحده از سال ۲۰۱۹ به‌طور علنی علاقه خود را به تصاحب گرینلند اعلام کرده است. دونالد ترامپ در ماه‌های اخیر نیز با شتابی قابل توجه، بار دیگر موضوع در اختیار گرفتن این جزیره را مطرح کرده است. حال سوال مهم این است: گرینلند چه مزایا و فرصت‌هایی را برای آمریکا فراهم می‌کند؟

۱- سلطه بر قطب شمال و کریدورهای حمل‌ونقل
گرینلند به دلیل موقعیت جغرافیایی خاص خود، نقشی کلیدی در کنترل و نظارت بر مسیرهای حمل‌ونقل دریایی و هوایی در قطب شمال ایفا می‌کند. با باز شدن تدریجی یخ‌های قطب، مسیرهای جدید کشتیرانی در حال شکل‌گیری است که می‌تواند فاصله میان شرق و غرب جهان را به‌طور محسوسی کاهش دهد. گسترش دسترسی به آب‌راه‌های شمالگان، توسعه ناوگان کشتی‌های یخ‌شکن و افزایش قابلیت‌های کشتیرانی تجاری، امکان بهره‌برداری گسترده‌تر از منابع طبیعی و حتی افزایش سکونت انسان در این منطقه را فراهم کرده است.

تیتربهای امروز



«وطن امروز» گزارش می‌دهد
امپریالیسم ترامپی تاوان همدستی اروپا
با آمریکا در نظم ناعادلانه است

اروپا خواری فرعون

همین صفحه

گفت‌وگوی «وطن امروز»

با رئیس هیأت مدیره مؤسسه ریحانه رشت
که توسط اغتشاشگران غارت شد

اوباش به خیریه هم رحم نکردند

همین صفحه

روایت فارن پالیسی از دروغ‌گویی‌های رضا پهلوی
مبنی بر داشتن مقبولیت اجتماعی در ایران

پینوکیو افشا شد

همین صفحه

«وطن امروز» گزارش می‌دهد: ضرورت بازمعماری
اقتصادی - امنیتی حوزه خلیج فارس

ویژه

نظم نو اقتصادی در غرب آسیا

همین صفحه

چرا گرینلند برای آمریکا

مهم است؟

نگاه

امیرحسین عرب‌پور

گرینلند، جزیره‌ای پهناور و عمدتاً بخت‌پوش در شمال اقیانوس اطلس در مجاورت اقیانوس منجمد شمالی است و یکی از مهم‌ترین نقاط ژئوپلیتیک جهان به شمار می‌رود. این سرزمین اگرچه از نظر سیاسی، منطقه‌ای خودمختار در چارچوب پادشاهی دانمارک محسوب می‌شود اما از منظر جغرافیایی بخشی از آمریکای شمالی بوده و در شمال شرق کانادا قرار دارد. گرینلند با وسعتی بالغ بر ۲,۱۶ میلیون کیلومتر مربع، بزرگ‌ترین جزیره جهان است؛ با این حال، ۸۰ درصد مساحت آن زیر کلاهک‌های یخی ضخیم قرار دارد و جمعیتی کمتر از ۶۰ هزار نفر را در خود جای داده است. اقتصاد گرینلند اقتصادی کوچک و متکی بر ماهیگیری یارانه‌ای و تا حدی کشاورزی محدود است. تولید ناخالص داخلی این جزیره سال ۲۰۲۴ با احتساب حدود ۶۰۰ میلیون دلار کمک سالانه دولت دانمارک، ۳,۴ میلیارد دلار برآورد شد. با وجود این محدودیت‌های اقتصادی، گرینلند به دلیل موقعیت ژئواستراتژیک ممتاز و برخورداری از منابع طبیعی غنی، از اهمیت سیاسی و امنیتی فزاینده‌ای برخوردار است. قرار گرفتن این جزیره در مرکز کریدورهای هوایی دریایی میان آمریکای شمالی، اروپا و آسیا، بویژه در شرایط تشدید تحریرات اقتصادی و ذوب تدریجی یخ‌های قطب، ارزش راهبردی آن را به‌طور چشمگیری افزایش داده است. در همین چارچوب، رئیس‌جمهور ایالات متحده از سال ۲۰۱۹ به‌طور علنی علاقه خود را به تصاحب گرینلند اعلام کرده است. دونالد ترامپ در ماه‌های اخیر نیز با شتابی قابل توجه، بار دیگر موضوع در اختیار گرفتن این جزیره را مطرح کرده است. حال سوال مهم این است: گرینلند چه مزایا و فرصت‌هایی را برای آمریکا فراهم می‌کند؟

۱- سلطه بر قطب شمال و کریدورهای حمل‌ونقل
گرینلند به دلیل موقعیت جغرافیایی خاص خود، نقشی کلیدی در کنترل و نظارت بر مسیرهای حمل‌ونقل دریایی و هوایی در قطب شمال ایفا می‌کند. با باز شدن تدریجی یخ‌های قطب، مسیرهای جدید کشتیرانی در حال شکل‌گیری است که می‌تواند فاصله میان شرق و غرب جهان را به‌طور محسوسی کاهش دهد. گسترش دسترسی به آب‌راه‌های شمالگان، توسعه ناوگان کشتی‌های یخ‌شکن و افزایش قابلیت‌های کشتیرانی تجاری، امکان بهره‌برداری گسترده‌تر از منابع طبیعی و حتی افزایش سکونت انسان در این منطقه را فراهم کرده است.

ادامه در صفحه ۲